



اهداف و اصول تربیت معنوی بر اساس آموزه‌های امام علی (ع) در نهج البلاغه

محمدجواد یدالهی^{۱*}، علیرضا فقیهی^۲، محمد سیفی^۳، محمدرضا یوسفزاده^۴، فائزه ناطقی^۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۹

چکیده

پژوهش حاضر با تکیه بر روش تحلیل اسنادی و تحلیل مضمون، تربیت معنوی، اهداف و اصول آن را بر اساس آموزه‌های امام علی (ع) در نهج البلاغه مورد بررسی قرار داده است. هدف از این تحقیق تشریح و تبیین اهداف و اصول تربیت معنوی و مؤلفه‌های آن با استناد به نهج البلاغه بوده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که تربیت معنوی در سیاق مفاهیم نهج البلاغه، تربیت الهی است که دستیابی به آن مستلزم رعایت تقوای الهی است و نیاز به تعقل و تفکر و سیر در آفاق و انفس و جد و جهد در جهت تصفیه نفس از ردائیل و آراستگی به جمیع فضایل است که تقرب الهی، تقوا و عبودیت از مهم‌ترین اهداف تربیت معنوی می‌باشند و مهم‌ترین اصول تربیت معنوی از منظر نهج البلاغه مشتمل بر اصل کرامت، اصل محبت، اصل فروتنی و اصل تعقل است. لذا امور مهم فوق بایستی در عصر بحران معنویت در جامعه به‌ویژه در برنامه درسی مدارس در حیطه‌های مختلف مورد توجه جدی قرار گیرد؛ به منظور توجه ویژه به این مؤلفه‌ها مسائلی هم‌چون توجه به اهداف و اصول در محتوای کتب درسی بر اساس آموزه‌های نهج البلاغه و مطالعه تطبیقی آن با سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی آموزش و پرورش از جمله آنها به‌شمار می‌آیند.

کلیدواژه‌ها: نهج البلاغه، امام علی (ع)، تربیت معنوی.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

۴. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه بوعلی سینا

۵. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

۱. مقدمه

امروزه با پیشرفت سریع علم و تکنولوژی شاهد توسعه بخش‌های اقتصادی، خدماتی، صنعتی، پزشکی و کشاورزی در جوامع مدرن و در حال توسعه می‌باشیم و این احساس ایجاد شده است که با پیشرفت علم و تکنولوژی و با اتکا به آن، انسان می‌تواند به تکامل و مقاصد اصلی‌اش برسد هرچند این پیشرفت‌ها غیرقابل انکار بوده و به عین تأثیرات آن ملموس است اما هنوز هم نتوانسته بحران‌های ناشی از نابرابری‌ها، بی‌عدالتی‌ها، سلطه‌گری‌ها و تضاد طبقاتی را در سطح ملی و فراملی رفع نماید. آیا جز این است که خود انسان و انسانیت انسان فراموش شده و همه هم و غم دولت‌ها و انسان‌ها در جهت امنیت و تأمین رفاه بیشتر پیش رفته و آن آسایش حقیقی دست نیافته است، چرا که از فضایل و کمالات معنوی و اخلاق و رفتارهای انسانی فاصله گرفته و عملاً آن‌ها را زیر پا نهاده، از لحاظ بُعد مادی و حیوانی و جسمانی سیر صعودی ولی از لحاظ بُعد معنوی و روحانی تنزل مقام یافته است. اگر آمار خودکشی و اعتیاد و قتل و سرقت و افسردگی و ... را نیز بر آن‌ها بیفزاییم مزید بر علت خواهد بود (ایمان‌زاده و سلحشوری، ۱۳۸۹). رشد و پیشرفت علمی و توجه بیش از حد به فناوری جدید دنیای مجازی اینترنت، ماهواره و سایر فناوری‌های نوین و سرو کار داشتن افراد با آنها به‌عنوان سرگرمی و ابزار تفریح باعث کم‌توجهی و بعضاً قطع رابطه انسان با خود، خدا و طبیعت شده و این عوامل در روگردانی افراد از ارزش‌ها و اخلاق تأثیرگذار بوده است.

در قرن بیست‌ویک معنویت با بحران مواجه شده و رویکرد تربیت دینی به چالش کشیده شده است. بحران معنویت و اخلاق در این عصر تضعیف ایمان، اعتقاد، عواطف و احساسات است. برای پرکردن خلأ ناشی از معنویت، انسان عصر حاضر با اتکاء به علم و باورهای پیشینیان عصر مدرنیته به انسان محوری و جایگاه او و توجه بیشتر به جنبه عقلانی او و توجه به دین انسان به عبارتی سکولاریزم و تربیت لیبرال پناه برد و دین و حیانی را نقض نموده است. به سخن دیگر انسان عصر کنونی خود را بی‌نیاز از ارتباط با عالم ماوراء دانسته و می‌داند (باقری، ۱۳۸۸: ۵۷/۱-۵۸).

با توجه به این‌که، نهج‌البلاغه راهنمای اساسی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی متناسب با هر عصری است و در طول تاریخ همواره منبع مهم پژوهش برای اندیشمندان بوده است و عالمان و فرهیختگان هر روز که می‌گذرد بیش از پیش به نقش آن به‌عنوان قاعده‌ای اساسی و الهام‌بخش او واقف می‌شوند از این‌رو بشریت می‌تواند با روی آوردن به آن و توجه نمودن به آن در زندگی فردی و اجتماعی و سایر ابعاد حیات بشری حال و آینده بهتری را برای خود و همچنین برای نسل‌های پس از خود رقم زند و به یکی از اهداف آن برای بشریت می‌توان به ضرورت وجود عنصری روشنگر و راهنمای همیشگی در جامعه اشاره کرد که این نکته را در حقیقت وجود خود دارا است.

۱-۱. بیان مسئله

تحلیل و تبیین دیدگاه‌های امیر بیان حضرت علی (ع) راجع به نفس و نفسانیات انسانی و لزوم تربیت آن از سوی انسان‌های واجد صلاحیت در اوان کودکی و حتی بزرگسالی و پیگیری و اراده و پشتکار خود فرد

و اهتمام به آن از موضوعات مهمی است که باید مورد توجه افراد، خانواده‌ها، مؤسسات و نهادهای آموزشی و پرورش قرار بگیرد.

تعلیم و تربیت آدمی کاری پراج و در عین حال وقت‌گیر است و نتایج قطعی و نهایی آن نسبتاً دیر آشکار می‌شود. ارجمندی آن، از آن جهت است که آدمیت آدمی‌زاد، به چگونگی تربیتش بستگی دارد. اگر در شرایط مناسبی پرورش یابد به خیل نیکان می‌پیوندد؛ و اگر تربیت وی مورد غفلت واقع شود، چه بسا که از حد حیوان نیز فروتر می‌رود. وقت‌گیری آن نیز به این علت است که آدمیزاد یا مورد تربیت، موجودی بالقوه است و در آغاز زندگی جز به صورت آدمی نیست و نه تنها زمان نسبتاً دراز طول می‌کشد تا در پرتو تدابیر تربیتی مناسب آدمی خو شود، بلکه آمادگی وی برای قبول لوازم آدمیت نیز امری تدریجی است و تحقق آدمیتش در هر مرحله در گرو تحقق نسبی آن در مراحل قبل می‌باشد (شکوهی، ۱۳۹۴). معنویت واژه‌ای رازگونه و دارای برداشت‌های متفاوت در جوامع گوناگون است. در تعریف لغوی معنویت می‌توان چنین گفت که واژه معنویت *spiritual* از ریشه‌ی یونان *spiratu* به معنی نفس گرفته شده است و در فرهنگ آکسفورد به معنای حیات‌بخشی است و می‌توان گفت که با این باور که خداوند روح خودش (روح حیات) را در بشر دمیده، سازگار است؛ بنابراین، روح یک نیروی اتحادبخش انسان است که در تمام انسان‌ها مشترک است و حالت‌هایی مانند درک ابدیت، احساس آرامش، سرور، رشد آگاهی، رهایی از ترس و مرگ، احساس یقین، اشراق، احساس یکی شدن با دیگران و هزاران نوع احساس دیگر را بتوان بخشی از آثار بعد معنوی در انسان فرض کرد، اما با این که معنویت مهم و اسرارآمیز است، با آن چه که پویا و حیات‌بخش است، در ارتباط است؛ بنابراین، مرکز و قلب معنویت یک حالت اسرارآمیز و پویایی دارد که می‌توان گفت که دارای یک بعد غیرمادی و ماورایی است و در پی یک معنا و وجودی مافوق تجربه است (رایت^۱، ۱۹۹۸، به نقل از سلحشوری، ۱۳۹۰: ۴۴).

دشواری‌های ناشی از ابهام و پیچیدگی مفهوم «تربیت معنوی» موجب شده است که این مفهوم و مفهوم «تربیت دینی» عموماً به‌جای یکدیگر به‌کار برده شوند و بنابراین، خلط این دو مفهوم، تعریف «تربیت معنوی» را دشوار نموده است (بست^۲، ۲۰۰۸: ۳۲۱).

از این‌رو، همان‌طوری که هند^۳ (۲۰۰۳) خاطر نشان می‌کند، برای تصریح حدود مفهوم «تربیت معنوی» بهتر است آن را در قلمروهای معرفتی مختلف (دین، فلسفه، روان‌شناسی و ...) بررسی و طبقه‌بندی نمود. افراد دیگری، مانند بیگر، ضمن تفکیک دو نوع معنویت «دینی» و «سکولار» معتقدند که «تربیت معنوی» می‌تواند به دور از الزامات دینی (در پذیرش خدا)، روز جزا، بهشت و جهنم و ... وسیله مناسبی برای تعالی فردی انسان در حیات دنیایی او باشد (بیگر^۴، ۲۰۰۸: ۶۰).

1. Wright
2. Best
3. Hend
4. Bigger

با توجه به توضیح بیگر، باید گفت که در حقیقت، در دهه‌های اخیر مفهوم «تربیت معنوی» به‌عنوان جایگزینی برای «تربیت دینی» تلقی می‌شود (الکینس، ۲۰۰۰).

بررسی مفهوم «معنویت» نشان می‌دهد که این مفهوم در نزد متفکران دینی و غیردینی از معنای متفاوتی برخوردار است. در منابع دینی، کاربرد مفهوم معنویت مبتنی بر «ایمان به ارکان دینی چون خدا، معاد و رسول» است؛ بنابراین در پژوهش حاضر، محقق در صدد است با توجه به چالش‌هایی که در عرصه معنویت در جامعه و به‌ویژه در نظام آموزش و پرورش وجود دارد برای پاسخ به این مسائل و چالش‌ها، به کاوش دیدگاه‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه در ساحت تربیت معنوی بپردازد و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱- اهداف تربیت معنوی براساس نهج‌البلاغه چیست؟

۲- اصول تربیت معنوی براساس نهج‌البلاغه کدام است؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

در این راستا پژوهش‌هایی صورت پذیرفته است؛ از جمله اشعری (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی براساس آراء علامه طباطبایی» به این نتیجه دست یافته که نظر علامه درباره معنویت این است که معنویت، باطن دین و محور مشترک تمام ادیان الهی است و جدا از جنبه کارکردی آن، به‌عنوان امری وجودی نگریسته می‌شود. در این دیدگاه معنویت انفسی و آفاقی دو منبع ناگسستنی معنویت‌اند و ارتباط تنگاتنگی با هم دارند، اما تأکید بیشتر روی معنویت انفسی است. به هرحال اهداف تربیت معنوی در این پژوهش دارای سه جنبه شناختی، گرایشی و فرآیند عمل می‌باشد.

در تربیت بایدهایی وجود دارد که از آن‌ها به «اصول» تعبیر می‌شود. هر حیطه تربیتی اصول خاصی دارد که لازم است علاوه بر اصول کلی تربیت که در جای خودش مطرح می‌شود، در مقام بحث از آن حیطه مورد توجه قرار گیرد. تربیت معنوی نیز اصولی دارد که آن‌چه به ذهن آمده مطرح می‌کنیم:

۱- فطرت محوری، ۲- تفهیم احساس حضور خدا در تمام زندگی، ۳- توجه به ویژگی‌ها و نیازهای بُعد روحانی، ۴- شناخت وضع روحانی و شرایط و حالات متفاوت انسان، ۵- تبیین هدف آفرینش و تأکید بر معنوی بودن آن، ۶- توجه دادن به آثار معنویت‌گرایی، ۷- تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بر سلوک معنوی، ۸- توجه دادن به مرگ و معاد (میرعرب، ۱۳۹۵: ۱۹۲-۲۰۹).

حیدری ستوده (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «تربیت معنوی از دیدگاه امام علی (ع) بر مبنای نامه‌های نهج‌البلاغه» نتیجه گرفت که از نظر پیشوای پرهیزکاران تربیت معنوی، تربیت الهی است که دستیابی به آن مستلزم رعایت تقوای الهی و توجه به مبدأ و معاد و با رنج و مشقت فراوان همراه بوده و نیاز به تعقل و تفکر و سیر در آفاق و انفس و جدّ و جهد در جهت تصفیه نفس از رذایل و آراستگی به جمیع فضایل را می‌طلبد که حاصلش، نورانیت و صفای دل و فلاح و رستگاری و غایت آن تقرب الهی است.

در مقاله‌ای که توسط سارمی، محمدی و مولائی (۱۳۹۶) که در فصل‌نامه پژوهش‌نامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی چاپ گردیده به تبیین و تشریح اصول و اهداف و روش‌های تربیت از دیدگاه نهج‌البلاغه پرداخته است. یافته‌های پژوهش در زمینه اصول به شش اصل اشاره دارد: اصل آخرت‌گرایی و دنیاگریزی، اصل عمل‌گرایی و آرزوگریزی، اصل امیدواری و یأس‌گریزی، اصل تعقل‌ورزی و غفلت‌زدائی، اصل تواضع‌گرایی و تکبرگریزی و در قسمت اهداف هم به هدف‌های ذیل اشاره شده است: تعلیم حکمت، اشاعه تقوا، پرستش خدا، ایجاد روح برادری.

در پژوهش دیگر شعبانی^۱ (۲۰۰۹) با عنوان «بررسی تطبیقی برنامه‌های درسی دینی و اخلاقی در دوره ابتدایی در ایران و چند کشور جهان» با هدف مقایسه رویکردها، اهداف، محتوا، روش‌های اجرای برنامه درسی و اخلاقی در ایران و چند کشور جهان انجام داد که به ارائه راهکارهایی برای تربیت دینی منجر شد.

در تحقیقی دیگر که توسط علی ایمان‌زاده و احمد سلحشوری در سال (۱۳۸۹) با عنوان «تربیت معنوی و برنامه درسی» صورت گرفته و محققان به تربیت معنوی که امروزه در برنامه‌های درسی کمتر مورد توجه قرار گرفته پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که تربیت معنوی با تربیت اخلاقی و تربیت اسلامی متفاوت است و این نتیجه حاصل شده است که اوج تربیت اخلاقی، تربیت معنوی است و اوج تربیت معنوی، تربیت اسلامی است و تربیت معنوی بستر و زمینه مناسبی برای تربیت اسلامی است. در تحقیق دیگری که توسط احمد سلحشوری در سال (۱۳۹۰) با عنوان «حدود و ثغور تربیت اخلاقی، معنوی و دینی» صورت گرفته، یافته‌های محقق بدین صورت است که تمام ادیان به‌نوعی به بُعد غیرمادی اذعان دارند و در پی ارتباط با خالق و رفع موانع ارتباطی با خداوندند، مرکز این ارتباط دل انسان است که غیرمادی است و معنویت نیز بُعدی غیرمادی و ماورایی است یعنی حسی درونی است که موقعیتی برای فراتر رفتن و گذر از خود و تعالی یافتن و ایجاد هماهنگی بین ذهن و بدن، خود و جهان به وجود می‌آورد. به عبارتی معنویت هم تعالی‌دهنده است، هم می‌تواند در خدمت فرهنگ ماده‌گرایی قرار گیرد؛ بنابراین معنویت هم می‌تواند دینی باشد و هم غیردینی. حاصل تحقیق این‌که از سه مفهوم تربیت اخلاقی، معنوی و دینی؛ تربیت اخلاقی پایه تربیت و هدف غایی تربیت اخلاقی؛ تربیت معنوی و هدف غایی تربیت معنوی؛ تربیت دینی است.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

انسان امروز در دوران معاصر بر اثر تهاجم فرهنگی و تبلیغات سکولاریستی، گرفتار مشکلات فراوان عقیدتی، رفتاری و اخلاقی شده است. این مشکلات ناشی از آن است که انسان در عصر تجدد، گوهر وجودی خود را نشناخته یا آن را نادیده گرفته است و بعضاً نقطه آرامش خود یعنی خداوند و تعالیم او را فراموش کرده است. بدیهی است، تنها راه گریز از این مشکلات بازگشت به دین و تربیت معنوی دینی

صحیح و عمل به تعالیم آفریدگار و آموزه‌های آن است. در قرآن کریم هم در آیات متعددی به این موضوع اشاره شده است. لذا قرآن دو نوع زندگی را در یک آیه معرفی می‌کند:

﴿أَوْ مَنْ كَانَ مِنَّا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زِينٌ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (انعام/۱۲۲).

آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمت‌ها باشد و از آن خارج نگردد؟! این‌گونه برای کافران، اعمال [زشتی] که انجام می‌دادند، تزیین شده [و زیبا جلوه کرده] است.

این حیات‌نورانی، همان حیات معنوی است. علامه طباطبایی (ره) این حیات را، حیات انسانی و نقطه مقابل آن را مرگ انسانیت و زندگی مادی حیوانی می‌داند (میرعرب، ۱۳۹۵: ۱۴۷). ایشان دو آیه دیگر را نظیر آیه یاد شده دانسته است:

۱. ﴿إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ﴾ (انعام/۳۶).

تنها کسانی [دعوت تو را] می‌پذیرند که گوش شنوا دارند، اما مردگان [و آن‌ها که روح انسانی را از دست داده‌اند، ایمان نمی‌آورند و] خدا آن‌ها را [در قیامت] برمی‌انگیزد.

۲. ﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ دُونِ أَوْ أَنْتِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾ (نحل/۹۷).

هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم.

ضرورت پرداختن به این نوع تربیت آنگاه جلوه بیشتری می‌یابد که بفهمیم بشر امروز گرفتار دشمنانی شده که هر روز تلاش بیشتری می‌کنند تا او را از معنویت الهی دورتر کنند و دلش را کور و او را در ظلمت‌های تزیین شده، غرق نمایند (میرعرب، ۱۳۹۵: ۱۴۹).

یاد خدا و تلاش برای تقرب به او، برنامه‌ای است که تمام دل و جان انسان را به خود مشغول می‌سازد. چنین شخصیتی که لذت معنوی را چشیده، حاضر به معاوضه آن با لذت‌های زودگذری چون گرایش به مواد مخدر، تفریحات ناسالم و دیگر آسیب‌های فراروی انسان امروزی در جوامع صنعتی نیست. امام علی (ع) نیز به این اثر بزرگ معنوی چنین مختصر تأکید کرده و فرموده است: «الدِّينُ يَعْصِمُ؛ دین مصونیت می‌آورد» (نامه/۱۹۸).

انسان معنوی، به زندگی و احوال دیگری بی‌توجه نیست. او در تلاش برای اصلاح‌گری است و همان‌گونه که بر کشور جان خود نور ایمان را تابانده، می‌کوشد جامعه را نیز از هرگونه تباهی و زشتی به دور دارد (میرعرب، ۱۳۹۵: ۲۵۶). با این توصیف ضرورت پرداختن به تربیت معنوی براساس آموزه‌های علی (ع) در نهج‌البلاغه بیش از پیش نمایان می‌گردد و در این پژوهش اهداف و اصول تربیت معنوی از دیدگاه نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. روش پژوهش

روش پژوهش ترکیبی است. در این پژوهش سعی بر آن شده است هم از روش تحلیل اسنادی و هم تحلیل مضمونی استفاده شود. در روش تحلیل اسنادی هم از منابع دست اول (نهج البلاغه) و هم منابع دست دوم شامل (کتب معتبر، پژوهش‌ها و مطالعات مرتبط با موضوع پژوهش) جهت تحلیل یافته‌ها استفاده شده است گردآوری اطلاعات مورد نیاز برای بررسی و تبیین اهداف و اصول تربیت معنوی با استناد به روش اسنادی و غور در منبع عظیم نهج البلاغه به‌عنوان جامعه آماری و به‌ویژه نامه‌های آن به‌عنوان نمونه می‌باشد هم‌چنین تحلیل مضمون «روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود» (عابدی‌جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

۳. یافته‌های پژوهش

بررسی سؤال اول پژوهش: اهداف تربیت معنوی براساس نهج البلاغه علی(ع) کدام‌ها می‌باشند؟

از تأمل در معانی هدف و غایت چنین برمی‌آید که جملگی دربردارنده مفهوم «نهایت و سرانجام کار» هستند که گاه نهایت، امری عینی و خارجی است و گاهی ذهنی و وجدانی (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۳: ۳) از آن جایی که بالاترین نعمت آخرت، رسیدن به قرب الهی است، رسیدن به این مقام با رشد معنوی محقق می‌شود. خداوند در مورد قرب الهی می‌فرماید: «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ نَاصِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ» (آری) در آن روز صورت‌هایی شاداب و مسرور است و به پروردگار می‌نگرد» (قیامت/۲۳-۲۲). رشد معنوی با تغییر نگرش‌های فرد، سعادت دنیای او را نیز تأمین می‌کند، بنابراین از آن جایی که خوشبختی در دنیا و آخرت با رشد معنوی به‌دست می‌آید، لازم است آدمی با شناسایی عوامل و موانع رشد معنوی، سعادت خود را به‌دست آورد.

نظر به این‌که، انسان معنوی که خواهان تقرب به خداوند است باید مراقب اعمال خود باشد و هر کاری که موجب دخولش در جهنم و عذاب است را انجام ندهد، تنها انجام دادن اعمال نیست که انسان را به خدا نزدیک می‌گرداند بلکه آن اعمال باید بی‌نقص و خالصانه باشد تا قرب الهی صورت گیرد؛ در نامه ۵۳ در این باره می‌فرمایند: «و با انجام دادن واجباتی که به‌وسیله آن به خدا نزدیک می‌شوی وفا کن و کوشش نما که دارای شرایط کمال و بی‌عیب و نقص باشد اگر چه تنت را بفرساید».

هم‌چنین در باب اهداف تربیت معنوی از منظر امام علی (ع) می‌توان به تقوا اشاره کرد. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «تقوی یک خصلت روحی و یک تربیت معنوی است که در پرتو آن، جان انسان ساخته و پرداخته می‌شود و او نه‌تنها در برابر گناه و معصیت، حالت ترک و نفی به خود می‌گیرد، بلکه حتی از فکر

معصیت آزرده‌خاطر هم می‌شود و از اطاعت و پاکی و عمل خیر، احساس رضایت و آرامش خاطر می‌کند و به یک آرامش روحی و روانی می‌رسد» (گروهی از نویسندگان، ۱۳۶۳: ۱۱۸) هم‌چنین در نامه ۴۷ می‌فرماید: «شما و همه فرزندان و اهل‌بیتم و هر که را که نامه‌ام به او می‌رسد سفارش می‌کنم به تقوی و ترس از خدا و مرتب کردن و به هم پیوستن کارتان» عبودیت از دیگر اهداف تربیت معنوی از دیدگاه امام علی (ع) است. در نامه تربیتی ۳۱ ایشان به فرزند گرامی‌اش می‌فرماید: «بنده دیگری مباش که خدا ترا آزاد آفریده» در نامه ۶۹ بهترین کارها را طاعت، بندگی و پیروی از دستورات خداوند بیان می‌کنند: «و در همه کارت خدا را اطاعت و پیروی کن زیرا اطاعت خدا بر هر چیز افزونی دارد».

اهداف تربیت

از دیدگاه نهج‌البلاغه، هدف‌های تربیتی زیر برای تحقق آرمان‌های متعالی انسانی، استنباط می‌شوند:

الف- تعلیم حکمت

مبنای تعلیم حکمت به استناد نهج‌البلاغه، قرآن کریم است که ظاهرش علم و باطنش حکمت است. حکمت، روشنایی‌بخش عقل و خرد انسان است. انسان می‌تواند با پیروی از شخص مطلع و با فراگیری دانش و تجربه از شخص حکیم، به اصول حکمت مسلط شود. در واقع، حکمت به همراه دانش، حیات قلب‌های مرده محسوب می‌شود که با ارائه‌ی براهینی منطقی، بینایی را برای چشم‌های نابینا و شنوایی را برای گوش‌های ناشنوا فراهم می‌سازد.

حکمت و دانش را باید به هر وسیله و با تکیه بر هر منبعی آموخت؛ زیرا گفتار حکیمانه، گمشده‌ی مؤمن است. حکمت بدان جهت سخن منطقی است که می‌تواند با سخن خود از جهت تعیین صحت به استناد احکام منطق مقابله کند. فرد می‌تواند با تکیه بر فراگیری حکمت، به «یقین» دست یابد؛ چرا که رسیدن به دقایق حکمت و پند گرفتن از حکمت‌ها به وسیله‌ی شخص هوشیار و بینا موجب می‌شود شخص بتواند از مأخذ گذشتگان عبرت بگیرد و تجربیات لازم را در تحقق «یقین» کسب کند.

در تأکید بر اهمیت آموزش حکمت به‌عنوان یک هدف تربیتی، باید زمینه‌ی مساعد را برای تحقق آموزش حکمت فراهم کرد؛ چرا که تحقق هدف مزبور در شرایط نامساعد ممکن نخواهد بود.

ب- اشاعه‌ی تقوا

تقوا به‌عنوان «رئیس اخلاق»، از مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی، معنوی اسلام است که در نهج‌البلاغه مطرح شده است (حکمت/۴۱۰). پرورش و تربیت انسانی «متقی» مورد نظر است که با ترس از خداوند و ایثار و فداکاری در راه اطاعتش و متابعت از آنچه در کتاب خدا قرآن به آن امر شده است، عمل کند.

انسانی که با متابعت از اوامر الهی در قرآن و پیروی از فرائض و اجرای آن‌ها و انجام واجبات و سنت‌هایی که هیچ‌کس جز با پیروی آن‌ها روی سعادت را نمی‌بیند، باید توشه‌ی خود را با عنوان «تقوا» از این دنیا برگیرد تا به مشیت خداوند راه یابد و تقوا (پرهیزکاری) بهترین زاد و توشه‌ی سفر آخرت ذکر شده است (حکمت/۱۳۰).

انسان متقی با احساس مسئولیت، فقط در راه خداوند یکتا و بی‌شریک حرکت می‌کند؛ زیرا در مقابل او جواپگو خواهد بود. تقوا و ترس از خدا، داروی بیماری قلب‌ها، بینایی دل‌ها، شفای آلام جسمانی، صلاح و مرهم زخم‌های جان‌ها، پاکیزه‌کننده آلودگی ارواح، جلای نابینایی چشم‌ها، امنیت در برابر نارادیه‌ها و اضطراب‌ها است. انسان متقی می‌تواند شرایط و سختی‌ها را به خوبی تحمل کند. خداوند انسان را به تقوا سفارش کرده و آن را منتهای رضا و خواست خویش از بندگان قرار داده است.

در این باره در خطبه ۱۹۱ آمده است: «ای بندگان خدا! شما را به تقوا و پرهیزکاری سفارش می‌کنم؛ زیرا که آن حق خداوند به شما است که خود موجب حق شما بر خداوند خواهد بود (که در پرتو آن استحقاق پاداش خواهید یافت). برای رسیدن به تقوا، از خداوند یاری بجوید...!»

ج- پرستش خدا (ایمان)

یکی از والاترین و مهم‌ترین اهداف تربیت در نهج البلاغه، پرستش خدا با تکیه بر اوصاف او و اعتقاد به توحید و وحدانیت و عدالت اوست؛ چنان‌که در خطبه اول آمده است:

سراغاز دین معرفت اوست؛ کمال معرفتش، تصدیق ذات او؛ کمال تصدیق ذاتش، توحید و شهادت بر یگانگی او؛ کمال توحید و شهادت بر یگانگی‌اش، اخلاص؛ و کمال اخلاصش آن است که وی را از صفات ممکنات پیراسته دارند.

اعتقاد الهی به یکتایی وجود او و ستایش توأم با یقین و ایمان، متکی بر «شناخت» وجود اوست. امام (ع) در باب ستایش خداوند، با اتکا به اصول عقیدتی آیین اسلام، چنین می‌فرماید:

«ستایش می‌کنم خداوند را به خاطر اتمام نعمتش و تسلیم در برابر عزتش و حفظ و نگهداری از معصیتش. در نیازها از او استعانت می‌جویم؛ چه، آن‌کس را که خدا هدایت کند، هیچ‌گاه گمراه نمی‌شود و آن‌کس که خداوند او را دشمن دارد، هرگز نجات نمی‌یابد و هر کس که خداوند او را کفایت کند، نیازمند نخواهد شد ... گواهی می‌دهم که جز خداوند یکتای بی‌شریک، معبودی نیست ... و گواهی می‌دهم که محمد (ص)، بنده و فرستاده اوست؛ که او را با دینی آشکار و با نشانه و آیینی راستین و کتابی نوشته شده فرستاد تا شبهات را از بین ببرد و با دلایل روشن در برابر همگان استدلال کند؛ با آیات، مردم را از مخالفت خدا بر حذر دارد و با کیفرها آنها را بترساند» (خطبه/۲).

ایمان به‌عنوان اهم خصوصیات عقیدتی یک فرد مسلمان در نهج البلاغه مطرح می‌شود. ایمان روشن‌ترین راه و نورانی‌ترین چراغ مسیر زندگی فرد است. انسان در پرتو ایمان راه اعمال صالح را می‌یابد و با اعمال شایسته مؤمن می‌شود. با ایمان، کاخ علم و دانش آباد خواهد شد و با علم، هراس از مرگ (و مسئولیت‌های پس از آن) حاصل می‌شود. این ایمان با برگزیدن دین اسلام، فرد را به محکم‌ترین ریسمان متوسل می‌کند؛ زیرا قرآن، معدن ایمان است و مرکز آن.

ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدالت و جهاد. از این میان، امام (ع) در حکمت ۸۲ در نهج البلاغه در ارتباط با رکن «صبر» می‌فرماید: «صبر و استقامت را در هر کار پیشه کنید! که صبر به ایمان، هم‌چون سر است در مقابل تن؛ تن بی‌سر فایده ندارد و صبر بی‌ایمان نیز بی‌نتیجه است». امام (ع)

در تفسیر ایمان می‌فرمایند: «ایمان شناخت با قلب (عقل)، اقرار به زبان و عمل با اعضا و جوارح است» (حکمت/۲۲۷) و «خداوند ایمان را برای تطهیر دل از شرک واجب فرمود» (حکمت/۲۵۲).

د- پرورش روح عدالت‌خواهی

«عدل» از اصول پنج‌گانه دین اسلام است که در متن نهج‌البلاغه، معادل ضد ظلم و جور و اقامه حق و رهگشای جاده هدایت بندگان خدا برای زندگی در این جهان و کسب جایگاه والا در قیامت و آخرت گرفته شده است. «عدل» از زمره خصایص ویژه خداوند است؛ چنان‌که در خطبه ۲۱۴ آمده است: «گواهی می‌دهم که خداوند عادل است و دادگر و حاکمی است جداکننده حق از باطل». هم‌چنین امام (ع) در تفسیر آیه «ان الله یأمر بالعدل والاحسان» می‌فرماید: «عدالت، حق مردم را دادن و احسان و بخشش بیشتر است» و «آگاه باشید که هر خونی، خونخواهی و هر حقی صاحب و طالبی دارد! انتقام‌گیرنده خون‌های ما همانند کسی است که برای خود داوری می‌کند و بر استیفاد حق خود کاملاً مسلط باشد و او خداوندی است که از گرفتن حق کسی ناتوان نشود و کسی از پنجه عدالتش فرار نتواند کرد» (خطبه/۱۰۵).

«عدل» در نهج‌البلاغه به‌عنوان عاملی در مقابل رفع ظلم و جور توضیح داده می‌شود: «عدالت گشایش می‌آورد و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ظلم و ستم بر او گران‌تر خواهد بود» (خطبه/۱۵). قرآن، منبع عدالت است؛ که در آن، به ستایش خداوندی که درباره مخلوقاتش به عدل و داد رفتار می‌کند و در اجرای احکام به عدالت حکم می‌کند، توصیه شده است. عدالت برتر از همه اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا و امر به معروف و نهی از منکر تبیین می‌شود؛ زیرا عاملی در برابر اشاعه ظلم است. به‌طور کلی عدالت چهار رکن اساسی دارد: دقت در فهم، غور در علم و دانش، قضاوت صحیح، حلم و بردباری ثابت و پابرجا؛ بنابراین، آن کس که خوب بفهمد و به اعماق دانش آگاهی یابد و به عمق علم برسد، سیراب از سرچشمه احکام بازمی‌گردد و آن کس که حلم و بردباری داشته باشد، در کار خود تفریط و کوتاهی نمی‌کند و در میان مردم با آبرومندی و ستودگی زندگی خواهد کرد.

بنابراین، با اشاعه روح عدالت‌خواهی، خصوصیات یک بنده عادل چنین توصیف می‌شود:

بنده عادل پیوسته به یاد خدا است، به عدالت فرمان می‌دهد و به عدالت عمل می‌کند چنان‌که برترین بندگان در نزد خدا پیشوای عادل است که خود هدایت می‌یابد و دیگران را هدایت می‌کند، سنت معلومی را بر پا می‌دارد ... نخستین مرحله اقامه عدل برای بنده این است که قادر باشد خویشتن خویش را در محکمه خویش محاکمه کند؛ و بالأخره، محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند کسی است که «خود را به عدالت ملزم کند و نخستین مرحله عدالتش این است که خواسته‌های دل را بیرون براند. او حق می‌گوید و به حق عمل می‌کند؛ هیچ‌کار خیری نیست جز آن که برای انجامش به پا می‌خیزد و در هیچ‌جا گمان نیکی نمی‌برد جز اینکه به‌سوی آن به راه می‌افتد».

۵- ایجاد روح برادری

یکی از مفاهیم ارزشمند که در دین اسلام بر آن تأکید شده، «برادری» است؛ که اساس و پایه یک جامعه متحد و مملو از همکاری را با تکیه بر روابط سالم اجتماعی بین افراد تشکیل می‌دهد. «برادری» در مفهوم همراهی، همدردی و همکاری خلاصه می‌شود؛ چنان که امام (ع) می‌فرماید: «دوست انسان دوست او نخواهد بود مگر این که برادرش را در سه حالت فراموش نکند: به‌هنگامی که دنیا به او پشت کرده، به‌هنگامی که غایب است و پس از مرگش». اساس برادری و روابط دوستانه که باید در تربیت اجتماعی فرد مدنظر قرار گیرد، بر اُنس، محبت، نیکی، بخشش، احسان و اعتقاد پایه‌گذاری شده است که باید در تعلیم و تربیت به‌عنوان یک هدف مطرح شود.

بررسی سؤال دوم پژوهش: اصول تربیت معنوی براساس نهج‌البلاغه علی (ع) کدام‌ها می‌باشند؟

اصول تربیت معنوی در نهج‌البلاغه

اصول مجموعه‌ای از قواعد است که برحسب مبانی وضع شده و مبانی مستند به واقعیت‌ها و حقایق قابل تعریف و تبیین‌اند پس پایبندی به اصول در هر زمینه علمی و کاربردی لازم است (رهنمایی، ۱۳۸۸: ۶). در این بخش سعی می‌شود اصول تربیت معنوی از منظر نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار گیرد.

اصل کرامت

یکی از اصول ناظر در تربیت معنوی، اصل کرامت است. از منظر اسلام، معنویت می‌تواند سطوحی داشته باشد که سطح والای آن در ارتباط با خداوند درک می‌شود و سطوح پایین‌تر آن مانند انسانیت را نیز در انسان‌های غیر دین‌دار به رسمیت می‌شناسد و پاسخگویی به آن را ارج می‌نهد. همچنان که حضرت علی (ع) در فرمان تاریخی خویش به مالک اشتر فرمود: «مردمان دو دسته‌اند: یا هم‌کیش (برادر دینی) تو هستند یا در آفرینش با تو همانند هستند». بنابر حدیث فوق، اگر افراد، دیندار هم نباشند باز هم دارای نوعی کرامت ذاتی هستند. حال، اگر افراد از راه دین، به نیاز معنوی خود پاسخ نمی‌دهند باز هم می‌توانند در سطحی پایین‌تر معنوی باشند و این سطح پایین‌تر، ناظر بر همان انسانیت آن‌هاست. بنابراین هم‌گرایی میان رویکردهای دینی و غیردینی ناظر به معنویت در این سطح (احترام به انسانیت) است (کیانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۴).

نظر به این که اگر انسان در خود احساس کرامت کند و آن‌را گرامی دارد به‌دنبال کسب معارف الهی گام بر خواهد داشت و از اعمال ناروا اجتناب خواهد ورزید. حضرت علی (ع) در نامه ۳۱ فرزندش امام حسن (ع) را به کرامت نفس سفارش می‌کند: «و گرامی دار نفس را از هر زبونی و پستی هر چند ترا به نعمت-های بی‌شمار رساند، زیرا هرگز برابر آن‌چه از نفس خویش صرف می‌کنی عوض نخواهی یافت و بنده دیگری مباش که خدا ترا آزاد گردانیده» (نامه/۳۱) این کرامت، کرامتی است که در رفتار انسان جلوه‌گر است همچنان که در همین نامه، او را به گرامی داشتن زن در آنچه که مربوط به آن‌هاست سفارش می-

کند. حضرت علی (ع) هم‌چنین به مالک اشتر سفارش می‌کنند که با مردم مهربان باشند و نوع نگاهشان به آنان با دیده کرامت باشد نه اهانت و تحقیر، زیرا انسان‌ها یا با تو برادر دینی‌اند یا در آفرینش همانند تو هستند (نامه/۵۳).

اصل تعقل

اصل دیگری که در تربیت معنوی قابل توجه است اصل تعقل است. نظر به این‌که، گام اول برای رسیدن به رشد معنوی، «تفکر» است؛ تفکر نوعی عبادت است. امام علی (ع) می‌فرماید: «لَا عِبَادَةَ كَالْتَفَكُّرِ فِي صِنْعَةِ اللَّهِ؛ هیچ عبادتی مانند اندیشیدن در صنع خدای عزوجل نیست» (نامه/۳۶). از سخنان پیشوای پرهیزکاران چنین برمی‌آید که انسان در همه امور باید از تعقل و تفکر صحیح بهره بگیرد. ایشان در نامه سوم می‌فرمایند: «عقلی که از گرفتاری خواهش (نفس اماره) رها باشد و از وابستگی‌های دنیا سالم ماند» هم‌چنین در توصیه به امام حسن (ع) می‌فرمایند: «هر کس اندیشه کند بصیر و بینا گردد» (فیض الاسلام، ۱۳۷۹: ۹۳۱/۵).

اصل فروتنی

اصل دیگری که معطوف به تربیت معنوی است اصل فروتنی است. نظر به این‌که، تکبر از جمله موانع مهم در مسیر تزکیه رسیدن فرد معنوی به قرب تعالی و نیل به سعادت است. این ویژگی راه پذیرش هدایت را مسدود می‌کند و سبب ایجاد سدی بین فرد و آفریننده خود می‌شود بر این اساس، عنصر تواضع در مناسبات تربیتی از نظر امام علی (ع) ضرورتی غیرقابل اجتناب است اگر فروتنی و پذیرش این‌که انسان برای کمال نیازمند غیر خود است و باید در برابر برنامه‌های او پذیرش داشته باشد در وی نباشد امکان تحقق فضای تربیت از بین می‌رود (مشایخی، ۱۳۸۰: ۶۳) حضرت علی (ع) در حدیثی می‌فرمایند: «در برابر استاد و شاگرد خود، فروتن باشید و از دانشمندان گردن‌کش نباشید» (مجیدی خوانساری، ۱۳۸۵: ۱۲۴) بنابراین فروتنی تنها مختص مرتبی نیست بلکه مریی خود ابتدا باید دارای تواضع باشد تا فروتنی‌اش بر مرتب‌ان الگو باشد. تواضع و خشیت در برابر خداوند نیکوتر است اما کسی که پیشوای مردم است باید توجه بیشتری به همه اقشار داشته باشد و در برابر آن‌ها متواضع و فروتن باشد مخصوصاً در برابر ستم-دیدگان و درماندگان (حیدری‌ستوده، ۱۳۹۱: ۹۸).

اصل محبت

اصل دیگری که ناظر به تربیت معنوی است اصل محبت است. بر مبنای این اصل، آن‌کس که می‌خواهد به مقامات معنوی برسد باید بذر محبت را در دل بکارد، بدیهی است بدون داشتن معرفت و حبّ نمی‌توان به محبوب رسید. پس اولین درجه، معرفت خداست. حضرت علی (ع) در این‌باره می‌فرماید: «و خدا را تعظیم کن و بزرگ دان و دوستانش را دوست بدار» (نامه/۶۹) داشتن محبت به انبیاء و اولیاء در مرتبه بعدی محبت است. حضرت علی (ع) از قرابت خود نسبت به پیامبر (ص) می‌فرماید: «برای انتظام امر امت محمد (ص) و الفت و دوستی بین ایشان، مردی از من حریص‌تر نیست و با این کار خواهان پاداش و بازگشت نیکو می‌باشم» (نامه/۷۸).

جدول ۱: اهداف و اصول تربیت معنوی در نهج البلاغه

مصادیق های نهج البلاغه	مؤلفه‌ها	ابعاد تربیت معنوی
«و بدان هر کاری که تو را به رحمت خدا نزدیک گرداند از کیفر روز رستاخیز دورت می‌نماید و هر کاری که ترا از خدا دور سازد به آتش نزدیکت می‌گرداند» (نامه/۷۶) «شما و همه فرزندان و اهل بیتم و هر که را که نامهام به او می‌رسد سفارش می‌کنم به تقوی و ترس از خدا و مرتب کردن و بهم پیوستن کارتان» (نامه/۴۷) «و در همه کارت خدا را اطاعت و پیروی کن زیرا اطاعت خدا بر هر چیز افزونی دارد» (نامه/۶۹)	قرب الهی تقوا عبودیت	اهداف تربیت معنوی
اصل کرامت «و گرامی دار نفست را از هر زبونی و پستی هر چند ترا به نعمت‌های بی‌شمار رساند، زیرا هرگز برابر آن‌چه از نفس خویش صرف می‌کنی عوض نخواهی یافت و بنده دیگری مباش که خدا ترا آزاد گردانیده» (نامه/۳۱) اصل تعقل «هیچ دانشی مانند تفکر و پیش‌بینی نیست» (فیض الاسلام، ۱۳۷۹: ۱۱۳۹/۶) اصل فروتنی «در برابر استاد و شاگرد خود، فروتن باشید و از دانشمندان گردن‌کش نباشید» (مجیدی خوانساری، ۱۳۸۵: ۱۲۴) اصل محبت «و خدا را تعظیم کن و بزرگ دان و دوستانش را دوست بدار» (نامه/ ۶۹)	اصل کرامت اصل تعقل اصل فروتنی اصل محبت	اصول تربیت معنوی

نتیجه‌گیری

بشر بالفطره و از درون معنویت خواه است. دلیل آن هم این است که در طول زندگی خود با لذت‌هایی مواجه می‌شود که فراتر و عالی‌تر از لذات مادی هستند، مانند احساسی که بعد از عبادت دست می‌دهد و تحول روحانی که در مناجات و اماکن مذهبی احساس می‌شود. با توجه به آنچه گفته شد انسان، بسیار بیشتر از توجه به بُعد مادی خود، باید متوجه هستی معنوی خویش باشد. انسان در هر دو جهت یاد شده قابل رشد است. به همین دلیل، تربیت و تقویت هر دو بُعد وجودی موجب فراهم شدن امکان قوی‌تری برای ارتباط با بُعد متناسبش در عالم خارج خواهد شد. روح قوی‌تر، با خالق روح و عالم معنا ارتباط بهتری خواهد داشت. پس تربیت باید هدفمند باشد و به آثار و پیامدهای آن اندیشیده شود. برای تربیت معنوی یک هدف اصلی وجود دارد و آن رسیدن به مقام انسان کامل و خلافت الهی است.

تربیت معنوی در سیاق مفاهیم نهج البلاغه، تربیت الهی است که دستیابی به آن مستلزم رعایت تقوای الهی است و نیاز به تعقل و تفکر و سیر در آفاق و انفس و جد و جهد در جهت تصفیه نفس از ردایب و آراستگی به جمیع فضایل را می‌طلبد که غایت آن تقرب الهی است. از مهم‌ترین اهداف تربیت معنوی از منظر نهج البلاغه را می‌توان به قرب الهی، تقوا، عبودیت باری تعالی اشاره نمود و اصول تربیت معنوی از منظر نهج البلاغه مشتمل بر اصل کرامت، اصل محبت، اصل فروتنی و اصل تعقل است. لذا با توجه به این امر مهم بایستی در برنامه درسی مدارس در حیطه‌های اهداف و اصول با بهره‌گیری از نهج البلاغه

مورد توجه قرار گیرد و با استفاده از تکنیک‌های مختلف و متنوع و جذاب، خلاق، آموزش‌های لازم به متریان ارائه و اهمیت این موضوع در این عصر که عصر بحران معنویت می‌باشد مضاعف شود.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- ۱- به منظور تشریح و تبیین اهداف و اصول تربیت معنوی با استناد به نهج‌البلاغه علی (ع) و میزان بهره‌گیری از این مباحث در برنامه درسی ملی آموزش و پرورش پژوهش‌هایی صورت پذیرد.
- ۲- مطالعه تطبیقی بین اهداف و اصول تربیت معنوی مطروحه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با مباحث مورد اشاره نهج‌البلاغه علی (ع) انجام پذیرد.
- ۳- به روش تحلیل محتوا، اهداف و اصول تربیت معنوی و مؤلفه‌های آن در کتب درسی دوره ابتدایی با اهداف و اصول مدنظر علی (ع) در نهج‌البلاغه تحلیل محتوایی صورت پذیرد.

منابع

- قرآن کریم.
- اشعری، زهرا. (۱۳۸۷). بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی براساس آراء علامه طباطبایی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه تهران.
- اعرافی، علیرضا؛ فقیهی، علی‌نقی و بهشتی، محمد. (۱۳۸۳). درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات سمت، جلد اول.
- ایمان‌زاده، علی و سلحشوری، احمد. (۱۳۸۹). تربیت معنوی و برنامه درسی، اولین همایش ملی تحول بنیادین در نظام برنامه درسی ایران، اردیبهشت سال ۹۰، مشهد.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۸). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ بیستم، تهران: انتشارات مدرسه.
- حیدری ستوده، زین‌العابدین. (۱۳۹۱). تربیت معنوی از دیدگاه امام علی (ع) بر مبنای نامه‌های نهج‌البلاغه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه ملایر.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۲). ترجمه نهج‌البلاغه، قم: انتشارات آلی علی علیه السلام.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. (۱۳۷۲). فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات سمت.
- رهنمایی، سید احمد. (۱۳۸۸). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- سارمی، زبیده؛ محمدی، ناصر و مولایی، برزو. (۱۳۹۶). «اصول، اهداف و روش‌های تربیت از دیدگاه امام علی (ع) در نهج‌البلاغه»، فصل‌نامه پژوهش‌نامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، سال اول، شماره هفتم، ۲۲۵-۲۴۷.
- سلحشوری، احمد. (۱۳۹۰). «حدود و ثغور تربیت اخلاقی، تربیت معنوی و تربیت دینی»، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، دوره ۲، شماره ۲، ۴۱-۵۶.
- شعبانی، حسن. (۱۳۸۲). روشهای پیشرفته تدریس، تهران، انتشارات سمت.
- شکوهی، غلامحسین. (۱۳۹۴). تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد: شرکت به نشر.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده محمد. (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، مجله اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۵، شماره دوم، ۱۹۸-۱۵۱.
- فیض‌الاسلام اصفهانی، علی‌نقی. (۱۳۷۹). ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، تهران: مرکز چاپ و نشر تألیفات فیض‌الاسلام.
- کیانی، معصومه؛ مهرمحمدی، محمود؛ صادق‌زاده قمصری، علیرضا و نوذری، محمود. (۱۳۹۴). «تبیین رویکردهای موجود درباره تربیت معنوی کودکان و نقد آن‌ها با تأکید بر آموزه‌های اسلامی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۲۶، ۹-۳۰.
- مجیدی‌خوانساری، غلامحسین. (۱۳۸۵). نهج‌الفصاحه - کلمات قصار پیامبر اسلام (ص)، قم: انتشارات انصاریان.

- مشایخی، شهاب‌الدین. (۱۳۸۰). «اصول تربیت از دیدگاه امام علی(ع)»، *مجله حوزه و دانشگاه*، شماره ۲۷، ۴۸-۴۹.
- میرعرب، فرج‌الله. (۱۳۹۵). *تربیت اعتقادی و معنوی با نگاه قرآنی*، چاپ دوم، قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- گروهی از نویسندگان. (۱۳۶۳). *یادنامه دومین کنگره هزاره نهج‌البلاغه*. پدیدآورندگان: فخرالدین حجازی، محمدحسین مشایخ فریدونی-علی مشکینی، سید علی خامنه‌ای- محمدتقی جعفری-ابوالقاسم خزعلی- حسین نوری-عباسعلی عمید زنجانی-زین العابدین قربانی- سید جواد مصطفوی- سید جمال‌الدین دین پرور-علی دوانی- محمدتقی رهبر- عبدالجواد فلاطوری- سید جعفر شهیدی- علی شریعتمداری. تهران: وزارت ارشاد اسلامی و بنیاد نهج‌البلاغه، نوبت چاپ: اول.
- Best, K. (2008). "In defence of the concept of "spiritual education": Areply to Roger marples", *International Journal of Children's Spirituality*, 13(4), 321-329.
- Bigger, S. (2008). "Secular spiritual education?", *Journal of the British education studies Association*, 1(1), 60-70.
- Elkins, D. N. (2000). "Towards a humanistic Spirituality chapter,16, 201-212.
- Hand, M (2003). "the meaning of spiritual education". *Oxford Review of education*, 29(3), 391-401.
- Wright, A. (1998). *Spiritual pedgogy, A Survery, Critique and Reconstruction of contemporary Spiritual education inengland and wals* (Abingdon, calhah college institute).